

سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴
 وطن‌امروز | شماره ۴۲۵۸

ورزشی

گزارش

تیم ملی والیبال دوباره بوی ولاسکو می‌دهد

بازگشت بزرگی

ایسن روزها هر قدر بیشتر بازی‌های تیم ملی والیبال را نگاه می‌کنم، بیشتر یاد روزهای طلایی می‌افتم؛ همان روزهایی که «خلویو ولاسکو» تیم ملی را از خاکستر بلند کرد، اعتماد به نفس تزریق کرد و مردم ایران را به والیبال‌بین‌های واقعی تبدیل کرد. حالا پیاتزا، مرد آرام و متفکر ایتالیایی، دارد همان مسیر را با حوصله و صبوری طی می‌کند.

شاید نتایج لیگ ملت‌ها تا اینجا برای عدای انطور که انتظار داشتند نبوده ولی اگر عمیق‌تر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم این تیم بیش از آنکه به دنبال نتیجه کوتاه‌مدت باشد، دنبال ساختن هویت تازه‌و آینده‌پایدار است. تیم ملی در این ۲ هفته پوست انداخته، جوان‌ها بالاخره به میدان آمده‌اند و مربی جرأت کرده به نسلی که شاید خیلی‌ها فکر می‌کردند هنوز خام است، اعتماد کند.

بردا یا سعادت که سال‌ها فقط در اردوها عرق می‌ریخت و روی نیمکت خاک می‌خورد، حالا دارد در زمین می‌درخشد. اعتماد پیاتزا آتشی درون او روشن کرده که هیچ دفاعی جلودارش نیست. او بالا می‌پرد، باارتقا می‌زند و حالا شجاعانه مبارزه می‌کند. چه کسی فکر می‌کرد بازیکنی که قبلاً حتی به او نگاه هم نمی‌شد، حالا تبدیل به یک مهره کلیدی شود؟ این دقیقاً همان فلسفه‌ای است که ولاسکو سال‌ها پیش وارد والیبال ما کرده؛ ایجاد اعتماد به نفس، دادن فرصت و مهم‌تر از همه، ساختن روح تیمی. حالا دیگر خبری از آن کوپینگ پراسترس و پر از خطای گذشته نیست، پیاتزا، برخلاف برخی مربیان داخلی و خارجی‌های قبلی، تیم را در لحظات حساس رهانمی‌کند. شاید برخی فکر کنند تمویض‌های زودهنگام دلیل نوسان است اما من معتقدم این انتخاب‌ها دقیق و حساب‌شده است. بازیکن تا لحظه آخر فرصت دارد خودش را ثابت کند و حتی وقتی اشتباه می‌کند، دوباره اعتماد دریافت می‌کند. این دقیقاً همان سیاستی است که بازیکن را رشد می‌دهد، نه اینکه او را به حاشیه براند.

بازی مقابل آلمان مثال خوبی است. اگر کمی شانس یار ما بود، حالا صدرنشین جدول بودیم ولی حتی همین شکست هم به نفع ما تمام شد. بازیکنان یاد گرفتند در روزهای سخت، باید جنگجو باشند. به نظر می‌آرد اگر در آن بازی از خانزاده استفاده می‌شد، می‌توانستیم نتیجه را بر گردانیم. خانزاده تجربه و قدرت حمله لازم را دارد و اصلاً هم بازیکن پابه‌سن گذشته‌ای نیست. این یک تصمیم تاکتیکی بود که می‌توانست سرنوشت بازی را عوض کند.

اعتبار، چیزی نیست که بشود یک‌شبه یا با چند برد تصادفی به دست آورد. تیم ملی حالا دوباره اعتبار پیدا کرده، همان چیزی که سال‌ها از دست داده بودیم. این اعتبار را مدیون انتخاب دقیق فدراسیون والیبال هستیم که برخلاف دوره‌های قبیل، به وعده‌هایش عمل کرد و مربی بزرگی مثل پیاتزا را آورد. نتایج‌اش هم مشخص است؛ تیم‌هایی که تا دیروز برای ما غول بودند، حالا دیگر آن ابهت را ندارند.

از نظر روانی، تیم ملی یک سر و گردن بالاتر رفته است. بازیکنان وقتی عقب می‌افتند، تسلیم نمی‌شوند، برمی‌گردند و می‌جنگند. در سروسری‌های پرشی، دفاع‌های در عمق و حتی در چهره بازیکنان، اعتماد به نفس موج می‌زند. اینها موارد کوچکی نیست؛ ستون‌های یک تیم قهرمان است.

حالا نوبت بازی‌های حساس هفته آخر رسیده. چین و بلغارستان شاید در ظاهر حریفان آسانی باشند اما دقیقاً همین بازی‌ها خطرناک‌ترند. بازیکن وقتی فکر می‌کند بازی ساده‌است، بدترین ضربه را می‌خورد. فرانسه و لهستان اما داستان متفاوتی دارند؛ آنجا جنگ واقعی است، آنجا باید جوهر اصلی تیم را نشان داد. به نظر می‌آفتاقا ما در بازی‌های سخت، بهتر و آزادتر بازی می‌کنیم، چون دیگر هیچ کس دست‌کم گرفته نمی‌شود. امیدوارم تیم بتواند حداقل ۳ برد در هفته آخر به دست آورد. اگر این اتفاق بیفتد، نه تنها در جدول بالای‌رویم، بلکه به اعتماد و روحیه بچه‌ها کمک بزرگی می‌شود. هر برد، یک آجر دیگر روی بنای جدید والیبال ایران است. در نهایت، همین حالا هم دستاورد پیاتزا ارزشمند است. او به بازیکنان شجاعت و به ما تماشاگران امید داده. دوباره عشق والیبال و شدایم، دوباره منتظر شروع بازی‌ها می‌شویم و بیشنیم و دوباره نفس‌مان را حبس می‌کنیم برای هر امتیاز.

ایسن والیبال، سوی روزهای ولاسکو را می‌دهد. بوی بلندپروازی، بوی دوباره ایستادن و این تازه اول راه است. . .

خبر

فشار جهانی به فیفا

برای اخراج رژیم تبهکار

کمپینی علیه فدراسیون جهانی فوتبال برای تعلیق فوتبال رژیم صهیونی به خاطر کشتار ورزشکاران ایرانی و فلسطینی به راه افتاده است.

سایت مقطاعه گزارش داد کمپین «همین الان به اسرائیل کارت قرمز نشان بده» از سوی کاربران فضای مجازی علیه فیفا به راه افتاده و این کاربران به دنبال اعمال فشار به فدراسیون جهانی فوتبال برای تعلیق فوتبال این رژیم هستند.
ارتش صهیونیستی از آغاز جنگ علیه غزه در ۲۱ ماه گذشته ۴۴۹ فوتبالیست را به شهادت رسانده است. این رژیم همچنین در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه کشورمان، ۴۴ ورزشکار ایرانی رشته‌های مختلف را به شهادت رساند. این کمپین جهانی ۴ ماه پیش در ورزشگاه‌های فوتبال علیه رژیم صهیونیستی آغاز شد و تاکنون در ۲۶ کشور مختلف از سوی تماشاگران بیش از ۸۰ه‌باشگاه ورزشی اجرا شده است. این کمپین قصد دارد در زیراکت‌های رسمی فدراسیون جهانی فوتبال – فیفا – در فضای مجازی تصویری با محتوای «همین الان به اسرائیل کارت قرمز نشان بده» منتشر کند.

کشتار فوتبالیست‌ها و ورزشکاران و از بین بردن ۹۰ درصد زیرساخت‌های ورزشی غزه نقض آشکار قوانین فیفاست و طبق قانون فیفا، فوتبال رژیم تروریست صهیونیستی باید به حالت تعلیق درآید.

چرا پرسپولیس برای جانشینی کارتال سراغ هاشمیان رفت

هلی کوپتر نجات؟



مهدی مرسلی

انتخاب سرمربی برای پرسپولیس، همیشه قصه‌ای پرهیاهو و پر از شایعه و حاشیه بوده. باشگاهی که هوادارانش، کوچک‌ترین تصمیم مدیریتی را زیر ذره‌بین می‌برند و تحلیل می‌کنند، این‌بار هم با جدایی غیرمنتظره اسماعیل کارتال، دوباره وارد چرخه‌ای پرالتهاب شد؛ چرخه‌ای که این‌بار خیلی زودتر از همیشه به ایستگاه آخر رسید و در نهایت یک نام از دل همه گمانه‌زنی‌ها بیرون کشیده شد: وحید هاشمیان.

■ **جدایی بی‌سر و صدا، ورود پرهیجان**

ماجرای جدایی کارتال در نوع خودش جالب بود. او در نیم‌فصل گذشته نتوانست انطور که باید، پرسپولیس را به موفقیت برساند. نتایج ناامیدکننده، شکست‌های حساس مقابل سپاهان و الهلال، حذف از جام حذفی و آسیا و در نهایت دور شدن از کورس قهرمانی، همه دست به دست هم داد تا هواداران از او دل بکنند. اگر چه او مدام از ساختن تیم برای فصل بعد حرف می‌زد اما آن فصل هر گز برایش آغاز نشد.

■ **تصمیم برق‌آسا و سنت شکنی مدیران**

انتخاب هاشمیان برخلاف مدل همیشگی پرسپولیس انجام شد. تا پیش از این، مدیران باشگاه معمولاً تصمیم‌های بزرگ، با احتیاط حرکت می‌کردند؛ مشورت‌های بی‌دریی، تأخیرهای طولانی، بررسی ده‌ها گزینه و آخر هم انتخابی که اغلب با موجی از مخالفت‌ها همراه می‌شد اما این‌بار، رضا درویش و مدیران پرسپولیس تنها ۳ روز پس از جدایی کارتال، چنان سرعتی به خرج دادند که کمتر کسی انتظارش را داشت. آنها به جای آنکه دوباره وارد بازی وقت‌کشی شوند، به سرعت گزینه‌ای را روی میز گذاشتند و کار را تمام کردند.

■ **از آلمان تا تهران: قصه هلی کوپتر**

وقتی پرسپولیس به دنبال جانشین کارتال رفت، نام‌های زیادی مطرح شد: برانکو، اوسمار، حتی علی دایی اما در نهایت، همه سرخ‌ها به یک نام ختم می‌شد: وحید هاشمیان؛ مهاجمی که سال‌ها پیش، با

پروازهای بلند و جنگندگی مثال‌زدنی‌اش، دل هواداران پرسپولیس را برده بود و حالا قرار است دوباره امید را به قلب‌های سرخ برگرداند.

■ **تجربه اروپایی؛ برگ برنده یا قمار؟**

هاشمیان پیش از این، هیچ‌وقت به عنوان سرمربی اول یک تیم بزرگ در لیگ برتر ایران کار نکرده. او پس از خداحافظی از فوتبال، بلافاصله وارد دنیای مربیگری شد و از همان ابتدا، جدیت و سختگیری آلمانی را با خودش آورد. او در فوتبال آلمان از پایین‌ترین سطح شروع کرد، از تیم‌های آماتور تا آکادمی هامبورگ و سپس تیم دوم هامبورگ. بعد هم به عنوان دستیار به تیم ملی ایران پیوست و با اسکوچیچ، روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت.

■ **آرام و متین اما آماده میدان جنگ**

هاشمیان در تیم ملی ایران هر چند کارنامه قابل دفاعی داشت اما گاه نتوانست محبوبیت بالایی میان مردم و رسانه‌ها به دست بیاورد. شاید به این دلیل که در دنیای پر سروصدا ی فوتبال ایران، شخصیت آرام و محتاط او کمتر به چشم آمد. حالا او به پرسپولیس آمده تا از این پس، مرکز توجه باشد و هر حرکتش با ذره‌بین دنبال شود.

■ **بزرگ‌ترین آزمون زندگی حرفه‌ای**

برای هواداران پرسپولیس، انتصاب هاشمیان بیشتر شبیه یک قمار بزرگ است؛ قمار روی نام یک مربی تازه‌کار اما پر از ایده و انگیزه. اگر این قمار جواب بدهد، آنها شاید برای سال‌ها خیال‌شان از نیمکت راحت باشد. اگر نه، مدیران دوباره باید بپردازند «آتش‌نشان» جدید برای خاموش کردن آتش انتقادات.

■ **آیا فلسفه آلمانی در ایران جواب می‌دهد؟**

بی‌تردید، هدایت پرسپولیس ساده‌ترین شغل دنیا نیست. این تیم، هر هفته در مرکز اخبار و حاشیه‌هاست. یک لغزش کوچک، می‌تواند همه چیز را برهم بزند. فشار سنگین هواداران، توقع بی‌نهایت رسانه‌ها و حواشی تمام‌شددنی، بزرگ‌ترین دشمن هر مربی پرسپولیس است. حتی باتجربه‌ترین مربیان هم زیر این فشارها دوام نمی‌آورند، چه برسد به یک مربی جوان یا سابقه محدود در جایگاه سرمربی.

کمبودهایی که هاشمیان همین اول راه دارد

پازل ناقص

مجرمی و محمدمهدی زارع، صادق که سال‌ها در اروپا بازی کرد و مدتی هم در فهرست سپاهان بود، حالا نزدیک‌تر از همیشه به بازگشت به پرسپولیس است. بازیکنی که قرار بود با کارتال به توافق برسد اما همه چیز با تغییر روی نیمکت قرمزها عوض شد. حالا هاشمیان دست روی او گذاشته و احتمالاً شاهد پوشیدن دوباره پیراهن قرمز توسط صادق خواهیم بود.

در پست دفاع میانی، عارف آقاسی از دست رفت و زارع گزینه‌ای است که هنوز در دست مذاکره است. مدیران پرسپولیس امیدوارند در نهایت او را از گل‌گیر بگیرند تا ستون دفاعی تیم کامل شود.

■ **خلوتی عجیب در مرکز زمین**

میانه میدان پرسپولیس، برخلاف ۲ جناح، در حال حاضر خلوت و آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد. سروش رفیعی فصلی بی‌ظیر را سپری کرد و مارش در ارسال پاس گل، شگفتی‌ساز شد. اما یک مهره خلاق دیگر برای قلب زمین لازم است؛ بازیکنی که هم جایگزین شود، هم در مواقع نیاز تیم را از بن‌بست خارج کند. شاید هاشمیان ترجیح دهد وسط میدان را با ترکیبی متنوع‌تر ببینند و در عین حال، گزینه‌های بیشتری برای تغییر سیستم داشته باشند.

■ **شلوغی کنار خطوط، سردرگمی در خط حمله**

در جناحین، اوضاع برخلاف قلب زمین، بسیار شلوغ و پر از گزینه‌های

تورنمنت‌های سوخته و سفرهای لغوشده تیم ملی بسکتبال

دوه جنگ در چشم آسمان خراش‌ها

مانوئولوپولس، سرمربی یونانی تیم ملی که ۲۰ خرداد برای مرخصی از ایران خارج شد، قرار بود به موقع برگردد و تیمش را همراهی کند اما حملات وحشیانه رژیم اشغالگر، مسیر او را کاملاً به هم ریخت. حالا طبق برنامه تازه، او شنبه آینده (۲۱ تیر) به ایران برمی‌گردد، البته نه مستقیماً، او ابتدا به استانبول می‌رود، از آنجا راهی مشهد می‌شود و سپس به تهران خواهد آمد. این سفر پیچیده، تنها بخشی از مارا تن عجیب و غریب این روزهای بسکتبال ایران است.

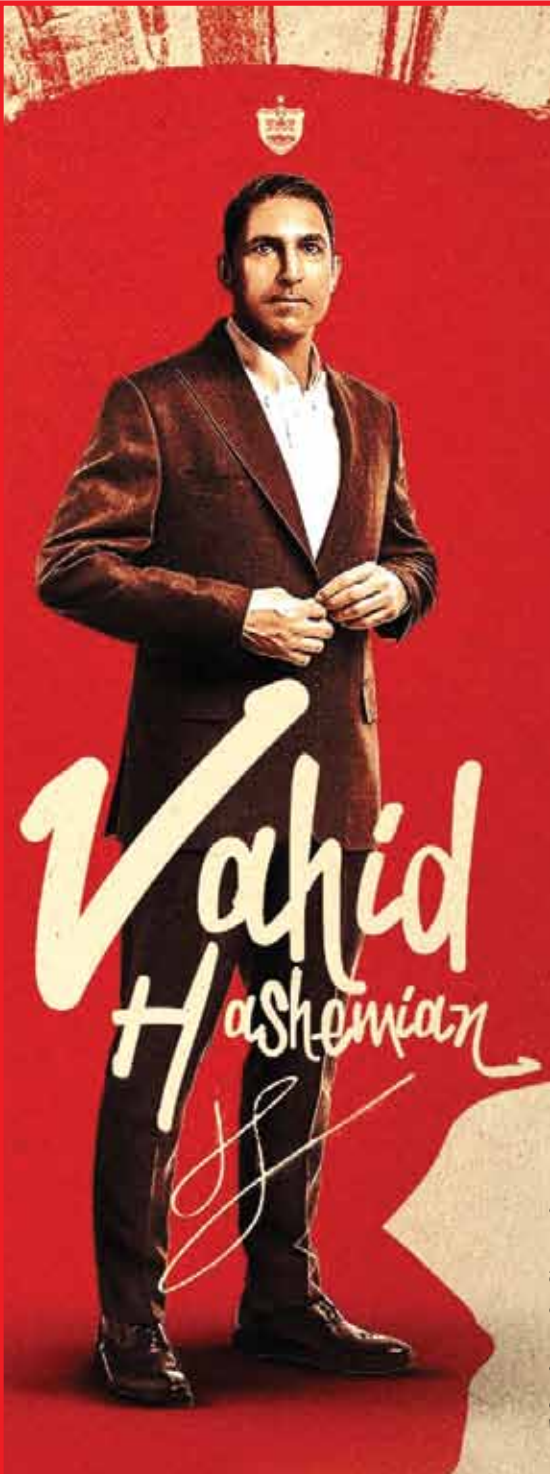
■ **آماده‌سازی یا جنگ روانی؟**

هرچند فدراسیون سعی کرده از شدت ضربه‌های جنگ بر پیکر تیم ملی کم کند اما مشخص است شرایط تیم ملی بسکتبال عادی نیست.



ابعاد نقشه شکست خورده علیه ایران

«مذاکره / جنگ» از این پرسش آغاز شد که آیا مذاکرات تله فریب بود یا اینکه مذاکرات، حقایق ایران را در بهره‌مندی از حق غنی‌سازی هسته‌ای اثبات کرد. بدون آنکه در پی پاسخگویی به این پرسش باشیم، رقیب برای از پا درآوردن ایران اسلامی به این ۳ تاکتیک دست زد و البته دست خواهد زد: ۱- عملیات نظامی ۲- آشوب داخلی ۳- مذاکره سیاسی. آنچه نقشه دشمن را خط زد و طراحی او را کور کرد،



■ **چالش‌های روانی و فنی؛ جنگ در ۲ جبهه**

یک چالش دیگر هم وجود دارد:

ارتباط با بازیکنان و هواداران. در ایران، کاریزما و توانایی مدیریت روانی تیم گاهی مهم‌تر از تمرینات و تکنیک است. مربی باید بلد باشد «دل» تیم را به دست بیاورد. اگرچه هاشمیان چهره‌ای محترم و خوشنام است اما باید ثابت کند می‌تواند بازیکنان ستاره‌دار پرسپولیس را مدیریت کند و از پس فشار رسانه‌ها و تماشاگران برتوقع بربیاید.

■ **پیش‌فصل؛**

نخستین دوتل حیثیتی

از همین حالا، تمام چشم‌ها به تمرینات پیش‌فصل پرسپولیس دوخته شده. نخستین جلسه تمرین، نخستین لیست خرید، نخستین نشست خبری ... همه اینها شروع فصلی است که شاید مهم‌ترین آزمون فوتبال حرفه‌ای وحید هاشمیان باشد. او آمده تا پرسپولیس را دوباره به روزهای اوج برگرداند اما این مسیر ساده نخواهد بود.

■ **پایان بازی؛ پرش یا سقوط؟**

پرش دوباره «هلی کوپتر» از آلمان به تهران، یک ماجراجویی جذاب و در عین حال خطرناک است. اگر بتواند ارتقا بگیرد، پرسپولیس را هم به اوج می‌برد، اگر نه شاید خیلی زود زمینگیر شود و هواداران دوباره دنبال راه‌حل‌های موقت و مقطعی بگردند. حالا همه منتظرند ببینند این پرواز به کجا ختم خواهد شد؛ به فتح قله یا به سقوط در دره؟ یک چیز مسلم است: این قصه تازه شروع شده؛ قصه‌ای که می‌تواند تاریخ پرسپولیس را برای همیشه تغییر دهد.

متنوع است. وحید هاشمیان دست باز و آزادی عمل دارد و می‌تواند هر زمان که بخواهد، ترکیب را تغییر دهد. اما در خط حمله، معماها یکی پس از دیگری به صف شده‌اند. جدایی قطعی عیسی آل کثیر نخستین علامت سؤال بود و حالا آینده سردار دورسون نیز در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته. دورسون به تازگی پدر شده و گفته می‌شود برای آینده فوتبالی‌اش وسواس خاصی دارد. از طرفی پرسپولیس در تلاش برای شکار شهریار مغاللو بود اما هنوز همه درها به روی بسته مانده است. رضا غنای‌پور هم دیگر گزینه‌ای بود که شانس چندانی برای حضور در پرسپولیس ندارد و احتمالاً مسیرش به سمت استقلال یا حتی خارج از ایران منحرف می‌شود.

■ **عملیات مهاجم‌دلف**

در این بین، جذب یک مهاجم نوک تمام‌عیار، به مهم‌ترین دغدغه رضا درویش تبدیل شده است. پرسپولیس به مهاجمی نیاز دارد که نه فقط گل بزند، بلکه در روزهای سخت گره‌گشای بازی باشد. مدیران قرمز امیدوارند قبل از شروع لیگ، این پست حیاتی را هم نهایی کنند.

■ **یک تابستان، چند داستان**

تابستان امسال برای پرسپولیس، ترکیبی است از جدایی‌های تلخ، بازگشت‌های خوشحال‌کننده و انتظارهای طولانی. هواداران امیدوارند رضا درویش بتواند در نقش یک معمار تمام‌عیار، ترکیب قرمزها را بازسازی کند و یک تیم مدعی واقعی بسازد. همه چیز بستگی به سرعت و دقت خریدهای آینده دارد؛ همان خریدهایی که می‌توانند مسیر سرخ‌ها را از یک فصل معمولی به یک فصل تاریخی تغییر دهند.

شاید روی کاغذ ضعیف‌تر به نظر برسد اما همیشه با جنگندگی غیرمنتظره ظاهر می‌شود. گویام هم، هرچند ناشناخته‌تر است تیمی است که به قول بسکتبالی‌ها «می‌تواند شگفتی‌ساز» باشد.

با چنین وضعیتی، هر لغزش و هر اشتباه کوچک، می‌تواند بلیت برگشت زودهنگام به تهران را صادر کند. حالا تصور کنید این فشار، در کنار جنگ و تغییرات مکرر برنامه، چه بر سر روح و روان ملی‌پوشان می‌آورد.

■ **از لبنان تا ریاض؛ مسیر مهم**

برنامه سفر تیم ملی بعد از اردوی روسیه هم جالب است. اگر شرایط امنیتی ایران در روزهای پایانی تابستان مساعد باشد، تیم ملی به تهران برمی‌گردد و سپس راهی ریاض خواهد شد. در غیر این صورت، مسیر مستقیم از روسیه به عربستان طی می‌شود. یک سناریو شبیه فیلم‌های تعلیق‌دار که حتی زمان پرواز و توقفگاه‌ها هم تا دقیقه ۹۰ مشخص نمی‌شود.

در این بین، بازیکنان ایرانی باید در ۲ تورنمنت خارجی تمرکز خود را بالا نگه دارند و خودشان را برای نبردی دشوار آماده کنند. تورنمنت لبنان وارود روسیه، تنها امید کادرفنی است تا ترکیب نهایی و تاکتیک‌ها را به بهترین شکل آماده کند.

■ **یک کاپ، ۱۰۰۰ دغدغه**

بسکتبال ایران همیشه برای ایستادن روی سکو در آسیا تلاش کرده و حالا این تورنمنت می‌تواند محلی باشد برای بازگشت به سطح اول قاره. اما هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند جنگ، تمام معادلات را به هم زده است. اردوهایی که لغو شد، سرمربی‌ای که در مسیر برگشت معطل ماند و تیمی که حالا باید هر روز با یک بحران جدید روبه‌رو شود.

اما شاید همین بحران، همان‌طور که بارها در تاریخ ورزش ایران دیده‌ام، باعث شود روحیه تیمی تقویت شود و بازیکنان با انگیزه دوچندان به میدان بروند. شاید این بار، سختی‌ها، انگیزه‌ای شود برای یک نتیجه فراتر از انتظار.

زندگی و امکانات با دیگران و مقابله با هر گونه سوءاستفاده خود را نشان داد، مثلث اهداف دشمن را خراب کرد. پیش‌نیاز آشوب و تجزیه و همکاری، از همکاری، تحریف هنجارهای فکری و تعلقات ذهنی است. وطن پیش از آنکه مفهومی جغرافیایی باشد، یک تلقی ذهنی است که باید از آن حراست و صیانت کرد. تلقی و ترسیم کنونی، سبب شد کار برای اسرائیل و آمریکا واژگون شود.